

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت

وارثت (۲)

دوره، ششم، شماره، هفتم

نام جزوه: تعلیم و تربیت وارث (۲)
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

۵.....	رشد چیست؟
۶.....	دورانهای مهمّ رشد
۸.....	دوران جنینی
۲۳.....	دوران طفولیت
۴۴.....	مرحله جوانی

رشد چیست؟

«رشد» در اصطلاح عرف (صرف نظر از معنای لغوی آن) تغییری است که در جهت ترقی حاصل می شود. و این تغییر، مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا عقلی عمومیت دارد.

ترقی و راه یافتن به کمال اخلاقی، عقلی، علمی و... رشد است؛ همان طور که تکامل جسم از کودکی به نوجوانی و از آن به جوانی رشد می باشد.

رشد جسمی به وسیله هدایت تکوینی است - گرچه چگونگی اندام ها و ورزیدگی آنها در بعضی امور محتاج مربی و تمرینهای خاص می باشد - ولی رشد معنوی انسان به وسیله هدایت تشریحی انجام

می گیرد. فرق اساسی بین این دوگونه رشد این است که رشد جسمی محدود و تکوینی است و مربّی، افراد را تا سنّ معینی می تواند بپذیرد و در ورزیدگی اندام و کیفیت تربیت آنها بکوشد؛ اما رشد معنوی در هر سنّی ممکن است و افراد متعلّم در هر موقعیت و سنّی می توانند در رشد و پرورش ابعاد معنوی خود بپردازند؛ البتّه جریان رشد در سنینی سریع تر و در سنینی دیگر کندتر می باشد و در بعضی افراد پذیرش بیشتر و در بعضی کمتر است.

دورانهای مهمّ رشد

قبل از ورود به بحث دوران های مختلف رشد، توجّه به چند نکته ضروری است:

دوره هشتم، شماره هفتم / ۷

۱ - مسأله رشد باید با توجه به ابعاد گوناگون در انسان در نظر گرفته شود.

۲ - در هر مرحله از رشد باید انتظاراتی در حد توانایی جسمی، عاطفی و... فرد باشد.

۳ - رشد روانی و عقلی، کمتر پا به پای رشد جسمی به پیش می رود. در بعضی، رشد جسمی، و در برخی رشد عقلی ظهور بیشتری دارد.

۴ - هر یک از مراحل رشد نقش عمده و سازنده ای را در مراحل بعدی ایفاء می کند.

دوران مهمّ رشد عبارتند از:

۱ - دوران جنینی

۲ - دوران کودکی (از شیرخوارگی تا ۷ سالگی)

۳ - دوره طفولیت (از ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی)

۴ - دوره نوجوانی (از ۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی)

۵ - دوره جوانی (از ۲۱ سالگی...)

لازم به ذکر است که تقسیم بندی دوران رشد، بر اساس بعضی از روایات صورت گرفته است، و در حدّ گنجایش این مقال مورد بررسی قرار می گیرد.

دوران جنینی

در مبحث «تعلیم و تربیت و وراثت» تا اندازه ای راجع به دوره جنینی و مسؤولیت پدر و مادر مطالبی را بیان داشتیم و به آنچه در آن جا گفته شد اکتفا می کنیم و اینک، به بحث از دوّمین و سوّمین دوره رشد می پردازیم.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۹

دوره کودکی (از شیرخوارگی تا ۷ سالگی)

هر انسانی نیازمندی و وابستگی جسمی خویش را به طبیعت و موادی که در آن وجود دارد، بخوبی احساس می کند. و بنیان حیات مادی او مرهون هوا، آب و غذاهایی است که بشر از طبیعت می گیرد.

نوزاد انسان تا مدتی نمی تواند به طور مستقیم از موادی که بزرگسالان از آن تغذیه می کنند؛ مانند: میوه، نان و غیره استفاده کند و برای بقا باید از شیر مادر تغذیه نماید. شیر مادر از مواد غذایی طبیعی که به مصرف رسانده، ترشح شده و علاوه بر حالات جسمی و طبیعی، حالات روحی مادر یا دایه نیز در آن تأثیر می گذارد. بیماری، ناراحتی، هیجان، نگرانی و... هر کدام تأثیر خاصی در شیر دارد؛ چنانکه

۱۰ / تعلیم و تربیت و ارث (۲)

سلامت، شادابی، آرامش و اطمینان خاطر، تأثیر خاص خودش را روی غذا می گذارد. بنابراین، مادر یا دایه ای که به کودک شیر می دهد، تنها غذای جسم او را تأمین نکرده، بلکه غذای روح را نیز به او داده است. بر این اساس، باید به نقش حساس خود در رشد و ترقی جسم و روح کودکان پی ببرند. رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند:

«لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»؛^۱ برای

کودک شیری بهتر از شیر مادر نیست.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۱۱

علی ((علیه السلام)) فرمودند: «أَنْظُرُوا مَنْ
يَرْضَعُ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ الْوَالِدَ يَشُبُّ عَلَيْهِ»^۱؛ توجه کنید
چه کسی به فرزندان شما شیر می دهد؛ زیرا فرزند به
واسطه شیر او رشد می کند(و همان صفات را
می گیرد).

و نیز فرمودند: «تَخَيَّرُوا لِلرُّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ
لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرُّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ»^۲؛ همان گونه که
برای ازدواج دقت دارید(و فردی شایسته اختیار
می کنید) برای شیر دادن نیز فرد شایسته ای را

۱ . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸، روایت ۶ و ۱، باب ۷۸، از ابواب احکام الاولاد.

۲ . وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸، روایت ۶ و ۱، باب ۷۸، از ابواب احکام الاولاد.

انتخاب نمایید، به راستی شیر طبیعت ها را دگرگون می کند.

امام محمدباقر ((علیه السلام)) فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالْوَضَاءِ مِنَ الظُّورَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدِّي»؛^۱ برای فرزند شیرخوار خود، دایه ای پاکیزه و نظیف برگزینید؛ زیرا شیر سرایت می کند (و اثر می گذارد).

علی ((علیه السلام)) فرمودند: «تَوَقَّوْا عَلٰی اَوْلَادِكُمْ لَبْنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدِّي»؛^۲ نسبت به فرزندانان از شیر زن زناکار و دیوانه، بپرهیزید؛ زیرا شیر سرایت می کند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸، روایت ۶ و ۱، باب ۷۸، از ابواب احکام الاولاد.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۹، روایت ۲.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۱۳

از رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) نقل است

که فرمودند:

«لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشْبُ عَلَيْهِ!»؛

زنان کم هوش و احمق را به دایگی نگیرید؛ زیرا
فرزند شما به همان خوی و خلق بار می آید و رشد
می نماید.

از امام محمد باقر ((علیه السلام)): «لَا تَسْتَرْضِعُوا

الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدِّي وَإِنَّ الْغَلَامَ يَنْزَعُ إِلَيَّ

الْلَّبْنِ»؛ زنان کم هوش را به دایگی نگیرید؛ زیرا

شیر، صفات را سرایت می دهد و فرزند به شیر

شبهت می رساند. مدت شیرخوارگی که تقریباً دو

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۴، روایت ۲۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۸، روایت ۲.

سال طول می کشد، موقعیت بسیار حساسی برای کودک است. روایات مذکور گویای آن است که مادر نقش عظیمی در ساخت شخصیت آینده و سعادت کودک دارد. مادرانی که به این امر توجه نداشته، در اخلاق و حالات خود دقت نمی کنند و در هر حالی به فرزند خویش شیر می دهند و یا فرزند خویش را به دست هر فردی - بدون توجه به حالات و خصوصیات او - می سپارند، اشتباه بزرگی را در حق کودک مرتکب می شوند که جبران پذیر نمی باشد.

مسأله تربیت کودک و مواظبت بر آن به دوران جنینی و دو سال شیرخوارگی ختم نمی شود، بلکه پس از آن نیز وظیفه مشکل تر است؛ زیرا قوه ناطقه او فعال می گردد. حس شنوایی او برای پذیرش و

دوره هشتم، شماره هفتم / ۱۵

شنیدن حرف‌ها آماده می‌شود، چشمانش به رفتار و عمل دیگران خیره می‌گردد و قلبش قابلیت تمایل به آنچه در اطرافش می‌گذرد، پیدا می‌کند. بدین ترتیب شالوده شخصیت کودک پی‌ریزی می‌گردد.

«در دوران کودکی است که ما روش خود را

نسبت به خود تعیین می‌کنیم و این حایز اهمیت فوق‌العاده است»^۱.

«اغلب روانشناسان ثابت کرده‌اند که پیدایش

کلیه اختلالات عصبی از دوران کودکی سرچشمه می‌گیرد؛ به این معنی که تجربیات دوران کودکی

است که آدمی را برای شکست عصبی و روانی در زندگی بعدی آماده می سازد»^۱.

لقمان حکیم به فرزندش فرمود: **يَا بُنَيَّ إِنَّ تَأْدِيبَ صَغِيرًا اِنْتَفَعَتْ بِهِ كَبِيرًا**^۲؛ اگر در دوران کودکی تأدیب شوی، در بزرگی از آن سود خواهی برد.

کودک تا ۲ سالگی فقط از درک احساس برخوردار است، قوه تشخیص (امتیاز خوب از بد) در او به فعلیت نرسیده و رشد معنوی و ترقی اخلاقی او وابسته به مربی است. در این دوره که پدر و مادر مواظب رشد جسمانی او هستند و از نزدیک شدن او

۱. روان شناسی و اخلاق، ص ۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۱، طبع بیروت.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۱۷

به اشیای خطرناک یا غذای ناسازگار جلوگیری می‌کنند و از سرما و گرما حفظش می‌نمایند، در دادن غذای روحی به او باید نهایت دقت را داشته باشند و از هر سخن و عمل نامناسب ولو خوب - که برای کودک قابل درک و توجیه نبوده و ممکن است اثر سوء در او بگذارد - خودداری کنند و موقعیت او را درک نمایند؛ در حد سن و درک او سخن بگویند و فطرت مذهبی اش را با برنامه صحیح شکوفا سازند.

از امام باقر و امام صادق ((علیهما السلام)) روایت شده است که فرمودند: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يُتْرَكَ»

۱۸ / تعلیم و تربیت وارث (۲)

حَتَّى...^۱ وقتی کودک به سه سالگی رسید، هفت مرتبه به او تلقین کن تا کلمه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را بگوید. بعد او را واگذار تا به... .

رشد کودک در این دوره، نباید یک جانبه و یک بعدی باشد. رشد بدنی، عقلانی، عاطفی، وجدانی، اجتماعی، اخلاقی او باید مورد توجه اولیای کودک قرار گیرد.

پدر و مادر باید بدانند که روح کودک و صفحه ذهن او صاف و بدون هیچ نقشی است و آن را با حرکات و اعمال و سخنان زشت، آلوده نسازند. او در جایی که از مادر یا پدر وفای به عهده نبیند، یا دروغی بشنود و بی‌احترامی و بی‌اعتنایی نسبت به

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۴، روایت ۳۶.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۱۹

خود ببینند، و یا در حادثه ای کوچک و ناچیز، بد اخلاقی آنها را مشاهده کند و... خود مبتلا به این صفات گردیده، به رشد معنوی و انسانی او لطمه وارد می شود.

رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند: «إِذَا وَعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ فَلْيُنَجِرْ!»؛ وقتی یکی از شما به فرزند خود وعده ای داد، باید به آن وفا کند و از عهد خود تخلف ننماید.

و از علی ((علیه السلام)) نقل شده که فرمود:
«لَا يَصْلَحُ الْكِذْبُ جِدًّا وَ لَا هَزْلًا وَ لَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ

صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ^۱؛ شایسته نیست آدمی به جدّ یا به شوخی دروغ بگوید و شایسته نیست کسی به بچه اش وعده ای بدهد و به آن وفا ننماید.

و نیز آن حضرت فرمودند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»^۲؛ قلب کودک نورس، مانند زمینی خالی است، آنچه در آن افکنده شود آن را قبول می کند.

رسول گرامی اسلام فرمودند: مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَ أَحْسَنَ أَدَبَهَا وَ عَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا فَأَوْسَعَ عَلَيْهِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي أُسْبِغَ عَلَيْهِ كَانَتْ مَنَعَةً

۱ . گفتار فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۲۶،

به نقل از وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۲.

۲ . بحارالانوار، ج ۷۷، صص ۲۰۱ - ۲۰۰، طبع تهران

دوره هشتم، شماره هفتم / ۲۱

وَسِتْرًا مِنَ النَّارِ؛^۱ کسی که از نعمت فرزند برخوردار است، او را به بهترین وجه ادب نماید و به نیکوترین طرز تعلیم دهد. پس بر او نعمتهای الهی را توسعه دهد؛ آن نعمتهایی که خداوند بر او کامل فرمود. آن فرزند، مانع و حجاب از دوزخ خواهد بود. در این مرحله اگر چه پدر و مادر باید دقت و مراقبت لازم را در تربیت کودک به عمل آورند، ولی نباید مانع بازی و آزادی او شوند که این باعث ایجاد عقده در روان کودک است؛ زیرا فطرت کودکانه او را به بازی می کشاند.

امام صادق ((علیه السلام)) فرمودند: دَعِ اِبْنَكَ
يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ^۱؛ بگذار فرزندت تا هفت سالگی
بازی کند.

اگر چه سخن پیرامون تربیت و تعلیم کودک در
این مرحله زیاد است، به عنوان آخرین مطلب بیان
می داریم که آنچه بیش از هر چیزی در این مرحله
مهم است، نشان دادن عشق و عاطفه و محبت پدر و
مادری است؛ عشق و محبتی که روح کودک نیازمند
به آن است. آزردن روح او به جهت یک کار کوچک،
عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت. محبت و
عاطفه، عامل لازمی است که می تواند جلوی هرگونه

دوره هشتم، شماره هفتم / ۲۳

خطای کودک را بگیرد و او را انسانی با شخصیت بار آورد.

دوران طفولیت

در این جا به مرحله سوّم رشد که از هفت سالگی شروع شده و به چهارده سالگی ختم می شود، می پردازیم.

در سنّ هفت سالگی، کودک با بسیاری از خویشاوندان و غیر آنها آشنا گشته و بسیاری از مسایل را می فهمد و تشخیص می دهد. او در این سن به طور کنجکاوانه به مسایل می نگرد. قلب او برای پذیرش هر عقیده ای آماده است. در این مرحله بیش از پیش باید تربیت طفل مورد توجه و دقت قرار گیرد. و اگر به او توجه نشده، اعمال و رفت و

آمدش تحت نظارت نباشد و علاوه بر این، مورد احترام بزرگان قرار نگیرد، حالت بدبینی در او ایجاد شده، به انحراف کشیده خواهد شد. انسان فطرتاً حس انتقام جویی دارد و از سوی دیگر در برابر احترام دیگران خاضع شده، عاطفه و محبت نشان می دهد. اگر به رشد فطری و عاطفی طفل توجه شود و مورد احترام قرار گیرد و خطاهای او به صورت صحیح گوشزد و برطرف گردد، تواضع نشان خواهد داد. او از نظر رشد بدنی و فکری به حدی از کمال رسیده است و قابلیت دارد خوب و بد را بفهمد و درباره آن فکر کند، لذا گذاشتن برنامه تربیتی برای او مفید و مؤثر است. کودک در این سن می تواند درک کند که این برنامه برای چیست و چه

دوره هشتم، شماره هفتم / ۲۵

فوایدی برای او دارد، لذا خود را آماده بهره‌وری از آن می‌کند؛ این که امام صادق ((علیه السلام)) می‌فرماید: **دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ...**؛^۱ (فرزندت را بگذار تا هفت سال بازی کند و تا هفت سال به تأدیب او پرداز) به احتمال زیاد ناظر به برنامه ریزی در مرحله دوّم بعد از تولّد می‌باشد. همچنین فرمایش رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) که: **«الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ»**؛ گویای این مطلب است که در هفت سال دوّم کودک باید تحت برنامه تربیتی صحیحی باشد که پدر و مادر و مربیان برای او می‌ریزند.

در این مرحله، طفل در معرض خطرات فکری است و آنچه در قلبش نقش بندد، پاک نمودنش بسیار مشکل است. بر این اساس، دستور داده شده او را متوجه عبادت کنند و چنانچه سرپیچی کرد، تأدیب نمایند تا بداند که در مقابل تخلف، مؤاخذه می شود.

«عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الصَّلَاةَ إِذَا بَلَغُوا سَبْعًا وَ
أَضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي
الْمَضَاجِعِ»^۱.

به فرزندان خود نماز را بیاموزید هنگامی که به هفت سالگی برسند و وقتی که به ده سالگی رسیدند (و تخلف از آموختن نماز کردند) ادب نمایید، و رختخواب آنها را از یکدیگر جدا کنید.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۲۷

باید تا جایی که می توانیم با برنامه صحیح و آموزنده، ایمان به خدا و مقدّسات مذهبی را در آنها به وجود آوریم^۱.

رشد ایمانی بوجود آورنده اخلاقیات انسانی در نفس کودک است. در این دوره می توان از کودک موجودی بی هویت و یا حیوانی درنده ساخت و نیز می توان یک انسان مؤمن، خدمتگزار و پرهیزکار تحویل جامعه داد. نفس انسان از بدو پیدایش تا آن هنگام که به عالم برزخ پرواز می کند در تلاش و تکاپو و حرکت است و هیچ گاه در زندگی از حرکت باز نمی ایستد؛ در هر حال و موقعیتی که باشد، با فعالیت خویش در سراسر زندگی، یا به سوی انحطاط

۱. این دوره مناسب ترین دوره برای پرورش ایمان است.

۲۸ / تعلیم و تربیت وارث (۲)

و پستی می رود و عاقبت از حیوان بدتر می گردد، و
یا به سوی ترقی و کمال می رود و انسان مافوق
می شود.

«یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا
فَمُلَاقِيهِ»^۱.

علاوه بر این، نفس است که در بدن فرمان
می راند و حرکات اعضا و جوارح معلول حرکت
نفس است. و به همین لحاظ، نفس پاک، آفریننده
اعمال شایسته، و نفس ناپاک، خالق رفتار غیرانسانی
است.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۲۹

علی ((علیه السلام)) فرمود: «الْأَنْفُسُ الشَّرِيفَةُ لَا تَتَّقُلُ عَلَيْهَا الْمَوْنَاتِ»^۱؛ رنج ها بر نفس پاک و محترم سنگینی نمی کند.

و فرمود: «يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ شَرَفَ نَفْسِهِ أَنْ يُنْزَهُهَا مِنْ دَنَاءَةِ الدُّنْيَا»^۲؛ سزاوار است کسی که به شرافت نفسش آگاه شود، آن را از پستی های دنیا پاک گرداند.

۱. شرح غررالحکم، ج ۲، صص ۴۰۲ - ۴۰۱ و نیز ج ۶، ص ۴۴۲.

۲. شرح غررالحکم، ج ۲، صص ۴۰۲ - ۴۰۱ و نیز ج ۶، ص ۴۴۲.

۳۰ / تعلیم و تربیت وارث (۲)

و نیز فرمودند: «الْنَّفْسُ الدَّيِّئَةُ لَا تَنْفَكُ عَنِ الدَّنَاءِ»^۱؛ نفس ناپاک و پست از پستی هاجدا نمی گردد.

اسلام برای تربیت صحیح نفس به پدران و مادران سفارش کرده است تا نیروی ایمان به خدا و آخرت را با برنامه صحیح در فرزندان خویش تقویت نمایند.

رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند: «مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ»^۲؛ هر که طفلی را تربیت کند تا لا اله الا الله بگوید، خدا از او حساب نخواهد.

۱. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲.

۲. نهج الفصاحة، ص ۶۱۴، ش ۳۰۱۲.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۳۱

امام سجّاد ((علیه السلام)) فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ
وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ
الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ
وَ فِي نَفْسِهِ، فَمَثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ، فَاعْمَلْ فِي
أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
الْمُعَذَّرُ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ
وَ الْإِخْذِ لَهُ مِنْهُ، وَ لِقُوَّةِ الْإِبَالَةِ»^۱.

اما حق فرزندت به تو این است که پس بدانی
او از تو است و تعلق به تو دارد و خوب باشد یا بد،
در این دنیا وابسته به تو می باشد، و تو در ولایتی که

۳۲ / تعلیم و تربیت وارث (۲)

بر او داری مسؤولی که طفل را مؤدّب و با اخلاق پسندیده پرورش دهی و او را به سوی خداوند متعال راهنمایی کنی و او را بر طاعت خدا، درباره خود و او کمک کنی، بر اطاعت فرزندت از خدا ثواب می بری و بر معصیت او خدا را، کیفر می شوی. پس درباره او کاری کن که در دنیا حسن اثر داشته باشد و خود نیز به آن آراسته و مزین گردی و در نزد خداوند تبارک و تعالی در آنچه بین تو و بین فرزندت هست معذور باشی به خاطر سرپرستی خوبی که از او کردی و تربیتش نمودی.

رشد حقیقی انسان آن گاه ممکن می شود که ایمان به خدا در قلب او جای گیرد و فطرت الهی او به سوی الله پرکشد.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۳۳

اگر سلمان ها، ابوذرها، مقدادها و شخصیت های بزرگی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، سیدرضی، سید مرتضی، شیخ مرتضی انصاری، مجلسی (اعلی الله مقامهم) در جامعه بشری می درخشند و نورافشانی می کنند، به خاطر نور خداست که از کودکی در قلب آنها تابیده است. و اگر امام خمینی ((قدس سره)) حرکتی نو و عظیم در جهان اسلام به وجود می آورد و بنیانگذار جمهوری اسلامی می شود، به جهت پرورش یافتن بر اساس ایمان به خدا و تربیت صحیح است. آری، کودکی که در جهت خدا حرکت کند و از هفت سالگی به خواندن نماز و قرآن مشغول شود و احترام به شخصیت او گذاشته شود و ایمان در او پرورش یابد،

۳۴ / تعلیم و تربیت وارث (۲)

در سن چهارده سالگی که قدم به سن نوجوانی می گذارد از رشد سریع تری برخوردار خواهد گشت.

مرحله نوجوانی (۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی)

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَفْلَحَ وَالْإِقَائَةُ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»^۱.

فرزندت را تا هفت سال بگذار بازی کند و در هفت سال دوم باید زیر نظر باشد و بر اساس برنامه های تربیتی حرکت کند و در مرحله سوم (نوجوانی) او را ملازم با خودت کن (و شدیداً

۱ . بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵، روایت ۴۰.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۳۵

مراقب او باش) تا رستگار شود و گرنه خیری در او نیست.

مرحله نوجوانی، دوره تازه ای در زندگی انسان است. می توان گفت: اساسی ترین تغییر که از نظر روانی در نوجوان پیدا می شود، حس شخصیت و استقلال طلبی اوست. او نمی خواهد مطیع کامل پدر و مادر باشد و هر چه آنان بگویند، پذیرفته و عقیده ای مطابق عقیده آنها داشته باشد؛ در برابر بایدها و نبایدها ایستادگی کرده، مقاومت نشان می دهد و زیر بار نمی رود؛ از امر و نهی دیگران بدش می آید؛ زیرا آن را منافی با شخصیت و استقلال خویش می داند. با توجه به این جنبه روانی است که رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله))

فرمودند: «...وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ...»^۱؛ اگر کودک در هفت سال اوّل زندگی، آقای پدر و مادر است و در هفت سال دوّم بنده آنها، در هفت سال سوّم (از ۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی) باید مشاور مریبان خویش باشد.

نوجوان با هیجان ها و اضطراب های بسیاری روبرو است که از رشد غریزه جنسی و رسیدن به بلوغ و نیز بروز شخصیت نو و استقلال جویی، ناشی می شود.

یکی از دانشمندان می گوید: «نخست باید نوجوانان را یاری کرد تا به آسانی از این سنین

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵، روایت ۷ از باب ۸۳، ابواب احکام الاولاد.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۳۷

پراشوب بگذرند. نباید گذاشت این سنین باعث التهاب بیهوده و بی ثمر و تجارب پرخطر گردد^۱.
در این دوره، غریزه جنسی سریع بوده، عقل و روان را محکوم خویش قرار می دهد؛ بنابراین، اگر نوجوان تربیت و آگاهی لازم را نداشته باشد، منحرف شده و به هر کار ناهنجاری دست می زند. به هر حال، برنامه تربیتی صحیح در دوره دوم بعد از تولد (۷ تا ۱۴ سالگی) باعث می شود که نوجوان تعادل روانی خویش را حفظ کند و شخصیت خویش را تثبیت نموده، بر اضطراب و نگرانی پیروز شود و غریزه و شهوت و نیروی جنسی را تحت راهنمایی عقل قرار دهد.

پدر و مادر و معلّم و دیگران که در رابطه با نوجوان هستند، بدانند که او به مرحله ای از رشد رسیده که باید به او استقلال و شخصیت داده و تکریمش کرد. برگزیدن او در کارها به عنوان یک مشاور، بهترین احترام برای او است؛ زیرا او به مرحله ای رسیده که تشخیص می دهد چگونه باید باشد، به کدام عمل روی آورده و کدام عمل را ترک نماید، البته این در صورتی است که مراحل قبلی تربیتی را به خوبی و موفقیت گذرانده باشد و الاً احتیاج به مراقبت بیشتر خواهد بود. نیکوترین ادب برای هر شخصی ترک معاصی است، چنانکه امیرمؤمنان، علی ((علیه السلام)) فرمودند: «أَحْسَنُ

دوره هشتم، شماره هفتم / ۳۹

أَلَدَابِ مَا كَفَّكَ عَنِ الْمَحَارِمِ^۱؛ نیکوترین ادب آن است که تو را از محارم باز دارد.

و نیز فرمودند: ضَبَطُ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ^۲؛ تسلط بر نفس هنگام آرزو و خواهش نفس و بیم و ترس، برترین ادب است.

روایت مزبور گویای آن است که انسان تربیت شده و مؤدب، از حالت اعتدال برخوردار است و در برابر خواهش های نفسانی و حوادث خود را نباخته، بر خود مسلط است. چنین ادبی در اثر مراقبت شدید

۱. شرح غرر، ج ۲، ص ۴۶۲، ش ۳۲۹۸.

۲. شرح غرر، ج ۴، ص ۲۳۴.

مریّان و اولیا پیدا می شود و دلیل گویا و واضح
رشد عقل است.

امیرالمؤمنین، علی ((علیه السلام)) فرمودند:
«كَيْفِيَّةُ الْفِعْلِ، تَدُلُّ عَلَى كَمِّيَّةِ الْعَقْلِ»^۱؛ چگونگی عمل،
دلالت بر مقدار عقل دارد.

«الْأَدَبُ وَالذِّينُ نَتِيجَةُ الْعَقْلِ»^۲؛ داشتن ادب و
دین، ثمره عقل است. (دلیل بر رشد عقلی می باشد).
مریّانی که این چنین در تربیت اولادشان می کوشند،
مورد مغفرت خداوند متعال هستند؛ چنانکه رسول
گرامی اسلام ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند: «أَكْرَمُوا

۱. شرح غرر، ج ۴، ص ۶۲۶، ش ۷۲۲۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۶۸.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۴۱

أَوْلَادِكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ؛ فرزندان
خویش را گرامی بدارید و آنها را نیکو تربیت تا کنید.
خداوند شما را بیامرزد.

نکته ای که باید مورد غفلت قرار نگیرد این
است که: نوجوان که در دوران کودکی، رفتار و
اندیشه اش را بر اساس الگوی تعیین شده از جانب
مریّان می ساخت، حال بر اساس استقلال فکری و
شخصیت طلبی به دنبال الگویی می رود که خود آن
را تعیین می نماید. برخی تحت تأثیر جوّالوده قرار
می گیرند و فردی ناپاک را برگزیده و خود را از
روی افکار او می سازند. و ما شاهد جوّالوده ستم
شاهی بودیم که نوجوانان چگونه به دنبال الگوهای

ناپاک (ستاره سینما، افراد منحرف غربی و شرقی و یا داخلی) بودند، مربیان و اولیای کودکان باید از ابتدا طوری برنامه تربیتی را تنظیم کنند که کودک به الگوهای الهی جلب شود و با اراده خویش، شخصیت های بزرگ مذهبی و تربیت شدگان مکتب اهل بیت ((علیهم السلام)) را به عنوان اسوه بپذیرد.

کودکان و دانش آموزان را باید با آن خاندانی که سراسر زندگیشان درس شرف، عزت و بزرگواری بوده است، آشنا ساخت. قرآن که برای تزکیه نفوس و تربیت انسان ها نازل شده، بهترین اسوه و الگو را شخص نبی اکرم حضرت محمد ((صلی الله علیه و آله)) معرفی می کند.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۴۳

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۱.

علی ((علیه السلام)) درباره الگو بودن آن حضرت فرمودند:

«وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ((صلى الله عليه وآله)) كَافٍ لِكُلِّ فِي الْأُسْوَةِ»^۲؛ رسول خدا ((صلى الله عليه وآله)) در الگو و اسوه بودن برای تو کافی است (پس بر تو است که از آن حضرت پیروی کنی).

آری، نوجوان باید حقیقت انسانی خویش را شناخته و به حیات معنوی و عقلی گام نهد، استعدادهایش را به فعلیت رساند و به تکامل لازم

۱ . سوره احزاب، آیه ۲۲.

۲ . نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.

برسد تا هنگام جوانی از عقلی برخوردار باشد که خواسته های نفسانی را پست شمارد.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمودند: «مَنْ كَمَلَ عَقْلُهُ إِسْتَهَانَ بِالشَّهَوَاتِ»؛ کسی که به کمال عقلی رسید، خواسته های نفسانی را سبک می شمارد.

مرحله جوانی

جوان بر اثر آگاهی هایی که در مرحله نوجوانی پیدا کرده، در پی زندگی معقول و انسانی برمی آید و به معنا و مفهوم زندگی پی می برد. او به این حقیقت توجه دارد که به خود واگذار نگردیده، و بیهوده آفریده نشده است و خداوند متعال در همه حال ناظر

دوره هشتم، شماره هفتم / ۴۵

رفتار و اعمال او است. «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»^۱.

او تا این مرحله دریافته که شادی و نشاط و شادکامی در چیست و هدف شایسته کدام است و با توجه به رشد و آگاهی، همه وجودش را در یک مسیر سالم انسانی، هماهنگ می سازد و از خیالات واهی و پوچ که در این مرحله او را تهدید می کند، نجات یافته و از آرزوهای طولانی، هواهای نفسانی، شهوترانی، بی بند و باری و ناهنجاری که در این دوران در کمین او نشست، رها می شود. او که تا این مرحله کرامت انسانی را

۱. سوره قیامت، آیه ۳۶.

شناخته است کارهایی را که به عظمت انسانی او لطمه وارد کند، مرتکب نمی شود. جوان رشد یافته (از جهات ایمانی و عقلی) فکر می کند و آنگاه دست به عمل می زند، در صورتی که جوانان تربیت نشده بیشتر تحت تأثیر احساسات واقع می شوند و عمل می کنند.

در مرحله جوانی - که اوج بروز قدرت های درونی است - گاهی نیروهای نفسانی در اثر عوامل خارجی یا افکار درونی، نمایان گشته و می کوشند تا جوان را از مرتبه عقلانی به زیر انداخته، تحت تأثیر احساسات کور قرار دهند. و با ظهور عشق های کاذب، جوان را از هدف اعلایش منحرف کنند، و چه بسا که همان

دوره هشتم، شماره هفتم / ۴۷

احساسات ناهنجار و کور، خود را به عنوان حقیقت عقلی جا زده و خود را زیبا جلوه دهند. در اینجا فقط دو نیروی عظیم و بزرگ (عقل و ایمان) است که اگر رشد یافته باشند خود را به میدان ستیز رسانده و نفس انسانی را از مهلکه می رهانند. علی ((علیه السلام)) در این مورد فرمودند: «هِمَّةُ الْعَقْلِ تَرَكُ الذُّنُوبَ وَاصْلِحُ الْعُيُوبِ»؛ همت عقل، ترک گناهان و اصلاح عیوب است. رسول اکرم ((صلی الله علیه وآله)) فرمودند: «الْإِيمَانُ عَفِيفٌ عَنِ الْمَحَارِمِ، عَفِيفٌ عَنِ الْمَطَامِعِ»^۲؛ ایمان، از گناهان و آزمندی ها پاک و برکنار است.

۱. میزان الحکمة، ج ۶، ص ۴۱۹.

۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۳۶، ش ۵۸.

محرک های نامناسب که گاهی قدرت نمایی می کنند، برای رسیدن به هدف اعلا و کمال انسانی، بسیار خطرناکند. و مهمترین مسؤلیت جوان، شناختن آن محرکها و رهایی از آنها است. برای انسانی که می خواهد به حقیقت انسانی نایل شود، و پیشانی برآستان کبریایی حق ساییده، به غرض از خلقت (جهان و انسان) تحقق بخشد، شناخت نفس، شناخت غرایز، عواطف و احساسات، شناخت حقیقت دنیا و آخرت، شناخت هدف و تشخیص اهداف مقدماتی و هدف اعلا کمک عظیمی است.

جوانان برای شناخت این گونه مسائل باید از هر فرصتی استفاده کنند. آنهایی که تمام شب و

دوره هشتم، شماره هفتم / ۴۹

روز را به کارهای روزمره زندگی می گذرانند و یا مواقع بیکاری را بیهوده هدر داده و ساعتی را برای مطالعه قرار نمی دهند، بسیار در اشتباهند؛ زیرا با خو گرفتن به زندگی مادی و دور شدن از شناخت مسائل بر جهل خود می افزایند. طبیعی است که انسان جاهل، بر اساس افکار جاهلانه اش هر ناحقی را حق پنداشته و هر نامقدسی را مقدس می شمرد و آنچنان کور می شود که افکار و اعمالش بر محور حماقت دور می زند.

علی ((علیه السلام)) فرمودند: «الْجَاهِلُ مَيِّتٌ وَ
إِنْ كَانَ حَيًّا؛ جاهل و نادان در حقیقت
مرده است، و اگرچه حیات ظاهری دارد.

جوان برای اینکه از رشد عقلی و ایمانی
بازماند، باید ساعتی را از شب و روز برای مطالعه
قرار دهد؛ مطالعه ای که محرک عمل شود، ایمان او
را تقویت نموده و به او رشد عقلی دهد.

علی ((علیه السلام)) فرمودند: «الْعَقْلُ غَرِيْزَةٌ
تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ»؛^۱ عقل غریزه ای است که
به وسیله علم و تجربه زیاد می گردد.

۱. شرح غرر، ج ۱، ص ۲۹۳، ش ۱۱۲۵.

۲. شرح غرر، ج ۲، ص ۳۲، ش ۱۷۱۷.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۵۱

و نیز فرمودند: «أَعُوْنَ الْأَشْيَاءِ عَلَى تَزْكِيَةِ الْعَقْلِ، التَّعْلِيمِ»^۱؛ یاری رساننده ترین چیز بر رشد عقل، تعلیم است.

امام صادق((علیه السلام)) فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْحِكْمَةِ تَلْقَحُ الْعَقْلَ»^۲؛ مطالعات پی گیر در شناخت حقایق عقل را بارور می سازد.

و در مورد شناخت خداوند فرموده اند: «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَظَمَهُ، مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ، وَ بَطَّنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ عَنَى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ»^۳؛ کسی که خدا

۱. شرح غرر، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲. میزان الحکمة، ج ۶، ص ۴۲۶.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۷، روایت ۲۵.

را شناخت و او را تجلیل نمود، دهانش را از سخن (بد و زیادی) و شکمش را از طعام (حرام و زیادی) باز می دارد و نفسش را به روزه گرفتن و شب زنده دار بودن وادار می نماید (به زحمت می اندازد).

انسان رشد یافته، همه کارهایش عبادت است. جوانی که در عبادت خدا رشد کند، در روز قیامت در سایه عرش خدا خواهد بود؛ رسول گرامی اسلام فرمودند: «سَبْعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ، إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ...»^۱.

دوره هشتم، شماره هفتم / ۵۳

هفت گروه در روز قیامت در سایه عرش
خدا خواهند بود، از جمله، امام و رهبر عادل، و
جوانی که در عبادت خدای (عزوجلّ) نشو و رشد
یافته باشد....

پایان